

داستان معرفت تاریخی

در سه پرده

هیپولیت تن، کارل. جی. همپل، فرانک انکراسمیت
ترجمه و تحشیه: سید رضا وسمه گر

- ۷ پیشگفتار
۱۱ آغاز داستان

پرده نخست

- ۱۳ معرفت تاریخی از منظر «رنالیسم خام»
با هیپولیت تن (۱۸۹۳-۱۸۲۸)
۱۵ روش تاریخی؛ تاریخ و تاریخ‌نگاری از منظر رنالیسم خام/ نوشته هیپولیت تن
۲۱ حواشی مترجم

پرده دوم

- ۲۹ معرفت تاریخی از منظر «پوزیتیویسم قانون‌محور»
با کارل گوستاو همپل (۱۹۰۵-۱۹۹۷)
۳۱ کارکرد قوانین عام در تاریخ/ نوشته کارل جی. همپل
۵۱ حواشی مترجم

پرده سوم

- ۷۷ معرفت تاریخی از منظر «روایت‌گری پست‌مدرنیستی»
با فرانک رودلف انکراسمیت (- ۱۹۴۵)
۷۹ شش نظریه در باب فلسفه روایت‌گرایی تاریخ/ نوشته فرانک انکراسمیت
۹۳ حواشی مترجم
۱۵۹ این داستان ادامه دارد...

آغاز داستان

تاریخ ایران در دوره صفویه، معماری و بناهای ساختمانی هرات در عصر تیموریان، روان‌شناسی شخصیت رضاشاه پهلوی، اصناف و پیشه‌وران در اروپای قرون وسطی و هزاران اثر «تاریخی» دیگر در کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها ذیل بخش «کتاب‌های تاریخی» قرار دارند. بارها و بارها آثاری در باب یک دوره زمانی، یک کنش و رویداد بزرگ یا یک شخصیت بارز تاریخی متعلق به گذشته انسانی مطالعه کرده‌ایم. اما آنچه در فهرست کتاب‌های تاریخی، معمولاً، یا به بیان بهتر غالباً، نادیده می‌ماند، نقد معرفت تاریخی است. حداقل در جامعه ما، در کنار این همه مطالعه در تاریخ، کمتر پیش می‌آید علاقمندان به مطالعات تاریخی برای لحظه‌ای از سیر حوادث و گزارش‌های ما از حوادث تاریخی جدا شوند و از مکانی اندکی مرتفع‌تر به نقد معرفت‌مان به تاریخ، امکان/عدم امکان و ضرورت/عدم ضرورت آن بیاندیشند. کمتر پیش آمده با عینکی فلسفی و اندیشه‌ورزانه به نقد شیوه‌های مرسوم برای گزارش رویدادهای تاریخی بپردازند و کمتر اتفاق افتاده که به جای ارائه گزارشی از دوره‌ای، کنشی یا شخصیتی تاریخی، روی گزارشی از گزارش‌های تاریخی و شیوه‌های ساخته شدن آنها و میزان اعتبارشان دست بگذارند. این نقیصه بزرگ راوی و مترجم را بر آن داشت تا با ره‌توشه‌ای شامل سه پرسش اساسی، بر ماشین زمان بنشیند و به گشت و گذاری در سنت نقد معرفت تاریخی در سطح جهان عازم شود:

الف. آیا پیوند با گذشته و معرفت به آن برای انسان امروزی ممکن است؟
ب. پیوند ما انسان‌های امروزی با گذشته و حوادث رخ داده در آن و معرفت ما درباره به آنها چگونه ماهیتی دارد؟
پ. چه نوع پیوندی با گذشته، مورخ امروزی را به بیشترین و مفیدترین معرفت در باب گذشته می‌رساند؟

مترجم و راوی داستان تشنه یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌هایش، نزد سه اندیشمند متعلق به سه زمان گوناگون رفته است و کوشیده تا آنها را به سخن گفتن در باب معرفت تاریخی و ماهیت آن وادارد و خود با گوش جان سخنان آنان را بشنود و با این اندیشمندان هم‌سخن شود. حال که او از این سفر در زمان و از این گشت و گذار در سنت نقد معرفت تاریخی بازگشته است، گزارشی می‌نویسد از نتایج دیدارهایش؛ گزارشی که اکنون از نظر خوانندگان می‌گذرد.

روش تاریخی؛ تاریخ و تاریخ‌نگاری از منظر رئالیسم خام^۱

نوشته هیپولیت تن

۱- مورخی را در نظر بیاورید که با تاریخ چنان سلوک می‌کند که در خور آن است؛ یعنی به سان یک علم‌آ. او نه در بند ستایش و تحسین است و نه سرزنش و تقبیح. نه قصدی دارد برای فراخواندن مخاطب به سوی فضیلت و نه آموختن درس سیاست به او. رسالتش برانگیختن نفرت یا عشق نیست. کاری با اصلاح نفوس و جان‌ها ندارد. اینکه واقعیات زیبا و خواستنی باشند یا زشت و کریه، برایش فرقی ندارد. تعهدی در باب نفوس آدمیان ندارد. هیچ رسالت یا علاقه‌ای ندارد، جز از میان برداشتن فاصله زمانی و رخ به رخ نهادن خواننده با موضوعات شناخت‌آ؛ آشنا ساختن خواننده با شخصیت‌هایی که شرح می‌دهد و ایجاد حس تعاصر و هم‌زمانی با آنچه روایت می‌کند. وقتی اخلاقیون می‌آیند و اشاعه تعلیماتشان را آغاز می‌کنند، یعنی رسالت او پایان یافته است. در این شرایط جا را خالی می‌کند و می‌رود، زیرا جز حقیقت مطلق^۴ را نمی‌پسندد. از نیمه‌حقیقت‌ها^۵ به خشم می‌آید، چراکه همانا نیمه‌دروغ‌اند^۶ و همچنین خشم می‌گیرد بر آن نویسندگانی که واقعیات تاریخی و شجره‌نامه‌ای را دستکاری نمی‌کنند، اما احساسات و روحیاتی

۱- این اثر ترجمه‌ای است از متن فرانسوی این مقاله:

- Hippolite Taine, La metode historique, in: Claude Du Bois & Jeanne Lac (eds), La civilization par les texts (paris : fernand Nathan , 1969) pp:50-52.

لازم به توضیح است که بخش‌بندی متن به کمک اعداد، از سوی مترجم و به منظور ساده شدن امر توضیح متن در بخش «حواشی مترجم» انجام شده است.

2- Science 3- objets
5- des demi-verites

4- le vrai absolu
6- des demi-faussetes

که نگهبانان شاکله رویدادهایند تحریف می‌کنند و رنگ و روی واقعیت را تغییر می‌دهند. کسانی که به رونویسی واقعیات^۱ دست می‌زنند، اما روح ماجرا را تحریف می‌کنند. او می‌خواهد در میان بربرها به سان یک بربر تنفس کند و در میان مردمان باستان چون یک انسان باستانی.

از اینجاست که او از زمینه و زمانه خود پر می‌کشد تا در وجودش، هوس‌های فطری و اولیه، اعتقادات بیگانه با خود، شخصیت فراموش شده مردمان دیگر و زمانه‌های متفاوت را جان ببخشد. بر روی جاده زمان، به نحو نامحسوس از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رود و سرانجام توفیق می‌یابد که در حصار تنگ روح خود، تمام احساسات و زندگی یک ملت را گرد آورد و زنده کند. وقتی با نبردی مواجه می‌شود که یکی از جزئیاتش نادرست انگاشته می‌شود، کمتر به شگفت می‌آید. این جزئیات را پی می‌گیرد و به آنان همچون زنده‌ترین و باارزش‌ترین گل حقیقت می‌نگرد. اما در ضمن، تمام جزئیات دیگر را نیز می‌خواهد.

۲- به نظر می‌رسد برخی واقعیات صرفاً مورد علاقه انسان‌ها هستند؛ واقعیاتی چون تغییر دولت‌ها، دسیسه‌های احزاب، جنگ میان دول و سرنگونی امپراتوری‌ها. اما او با برشمردن این وقایع قانع نمی‌شود. علاوه بر همه اینها، می‌خواهد در باب توزیع ثروت، مشاغل شهروندان، بنیان خانواده‌ها، ادیان، هنرها و فلسفه‌ها نیز تحقیق کند. در چشم او جزء به جزء نهادها و افکار انسانی با یکدیگر در پیوندند و هیچ‌کدام درک نمی‌شوند مگر آنکه همگی فهمیده شوند. این به عمارتی می‌ماند که تزلزل در یک بخش آن، کل آن عمارت را متزلزل می‌کند. بنا بر غریزه و اشتیاق، از امری واقع به سراغ امر واقع دیگری می‌رود و بی‌وقفه آنها را گرد می‌آورد و ناآرام و ناراضی باقی می‌ماند، مگر آنکه همه را گرد آورد. از نیازش به روشنی و کامل بودن به ستوه می‌آید، زیرا چشمش به تصویری که تاکنون ساخته می‌افتد و جاهای خالی و پرنشده این جورچین او را آزار می‌دهد و تا زمانی که همه این جاهای خالی را پر نکند، خستگی‌ناپذیر به تلاش خود ادامه می‌دهد.

۳- این تصویر را جز با امور واقع اثباتی^۱ چگونه می‌توان تکمیل کرد؟ این تصویر چیزی نیست جز نقشه ساختمانی نامتناهی که می‌باید ساخته شود. عشق به حقیقت، عشق به امر اثباتی را با خود می‌آورد و به همین سبب است که منتقد به جستجوی امر اثباتی می‌پردازد، نه با خیال راحت قاضی‌ای بی‌طرف، بلکه با باریک‌بینی و مداومت جستجوگری مشتاق که به دنبال دوردست‌ترین منابع^۲ می‌رود، زیرا آنها را خالص‌ترین منابع می‌انگارد. هرچه متن بربرمآبانه‌تر و ابتدایی‌تر باشد، به همان درجه ارزشمندتر است. او بالاترین میزان بلاغت را در کتابی کهن با سبکی ناقص و زمخت، همچون نویسنده‌اش، می‌بیند؛ کتابی که خارهایش دستان لطیف ادیب حساس را آزرده می‌کند و هیچ گنجینه‌ای بالاتر از کاتوی روستایی^۳ و دستورالعملش با آن ذهنیت دهاتی و بوی زنده‌شان نیست. او در جستجوی قوانین، گفتمان‌های حاکم و مختصات، از بایگانی‌ها سر در می‌آورد تا مگر راهی به سوی کتب جادویی ناخوانا یا نوشته‌ای فراموش شده بیابد و توانایی درک عبارات نامفهوم و واژگان متروک را کسب کند. زیرا اینها خود امور واقعند؛ کامل و دست‌نخورده و بی‌هیچ شاهدهی^۴ که واسطه‌ای باشد میان مورخ و آن امور واقع. این آوای واقعی عهد باستان است که او می‌شنود؛ بی‌هیچ تفسیری که بتواند لحن و گویش آن را تغییر دهد. این خود گذشته است که تمام عیار در دستان او قرار دارد، بی‌آنکه دیگران دست‌به‌دستش کرده یا تحریفش کرده باشند. او این متون خیره‌کننده را در ظرف بناهایی که هنوز هم بسیار گویا و رسا باقی مانده‌اند، توضیح می‌دهد. از این امر آگاه است که در هنگام تغییر و تحول انسان‌ها، طبیعت پایدار می‌ماند. طبیعت پس از این همه انقلاب‌های اجتماعی، خصوصیات خود را حفظ کرده است؛ از اقلیم‌های گوناگون گرفته تا پرتوی آفتاب، و در حالی که انسان در حصاری از موضوعات متغیر اسیر شده است، طبیعت برای او افکار ثابتی را به ارمغان می‌آورد.

1- des faits prouves 2- les sources

۳- Caton le campagnard (۱۴۹-۲۲۴ ق.م): کاتوی روستایی یا کاتوی بزرگ (در تمایز از نوه سیاستمدارش، کاتوی کوچک) سناتور و مورخ رومی که به محافظه‌کاری و دفاع از اصول رومی و دشمنی با فرهنگ هلنی مشهور است. او نخستین کس از رومیان است که به لاتین، تاریخ نوشت. کاتو در آثارش به امر کشاورزی و زراعت توجه ویژه‌ای داشت -م.

4- temoin

1- les faits